

تا پای جان برای ایران

درباره فریدون جنیدی، شاهنامه پژوه و مؤسس «بنیاد نیشابور» که در آستانه ۸۵ سالگی همچنان به فعالیت های فرهنگی خود ادامه می دهد

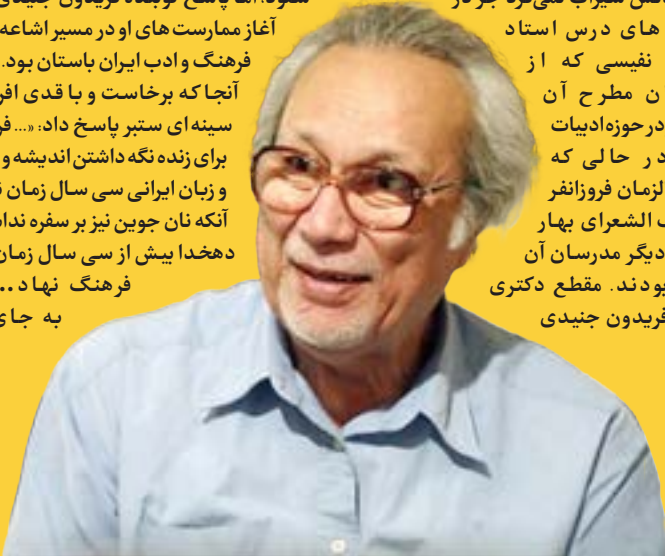


آزاده چشمه سبکی نویسنده

بکتاش جنیدی، پدر فریدون جنیدی مردی دغدغه مند بود. از اهالی دل سوز فرهنگ ایران زمین که در نشست و برخاست با چهره هایی چون ملک الشعرا بهار، مدام به دنبال راهی برای اشاعه حقیقت در خشان تاریخ باستان ایران زمین در میان جوانان و نوجوان بود. در نهایت هم یک مدرسه شبانه در

دل بازار مشهد تأسیس کرد. ملک الشعرا بهار ادبیات تدریس می کرد و فریدون جنیدی با آن هیبت تومند و مسلط به زبان روسی، مدیریت مدرسه را بر عهده گرفت. اما همه چیز محدود به همان یک مجموعه بود و با مهاجرت بهار به تهران، از ادامه فعالیت بازماند فریدون جنیدی. پسر بکتاش جنیدی، تمام کودکی خود شاهد دلواپسی های پدر در باب حفظ تعلیم ادبی و فرهنگی ایران باستان بود. او هنوز در خاطر دارد روزی را که پدرش در جمع دیگر بزرگان ادب از شاهنامه صحبت می کرد. از اینکه گمان نادرست عموم جامعه بر افسانه بودن این اثر را بر تدبیر بیشتر در عمق داده های آن بسته است. فریدون جنیدی نیز آرام و سر به زیر در عالم کودکی، به حرف های پدر فکر می کرد. بعدتر با مشق یکی از درس های مدرسه با عنوان «کتاب نویسی»، یک شب تمام را تا حوالی صبح در کنار گرمای کرسی و سکوت شب، به رونویسی از هفت خان رستم نشست و پس از آن شیفته

شاهنامه شد. در ادامه با ورود به دبیرستان و شرکت در کلاس های درس روان شاد حسن سجادی (شاگرد ادیب نیشابوری)، باب تازه ای از شگفتی های شاهنامه برابر دیدگانش گشوده شد. فریدون جنیدی در میان دیگر هم کلاسی هایش، با چشمانی مشتاق، به آموزه های معلم دل می داد و هر چه بیشتر می گذشت، شعله های عشق به شاهنامه در دلش فروزان تر می شد. فریدون جنیدی پس از آنکه تحصیلات مقدماتی را با معدل ۲۰ به پایان برد، به دانشگاه ادبیات وارد شد. اما سطح علمی دانشگاه، عطش آموختن را در دلش سیراب نمی کرد جز در کلاس های درس استاد سعید نفیسی که از عالمان مطرح آن روزگار در حوزه ادبیات بود در حالی که بدیع الزمان فروزانفر و ملک الشعرا بهار نیز از دیگر مدرسان آن ایام بودند. مقطع دکتری برای فریدون جنیدی



با رساله «زندگی و مهاجرت نژاد آریایی»، که بعدتر در قالب یک کتاب منتشر شد، به پایان رسید. پس از آن کتابی با عنوان «داستان ایران بر بنیاد گفتارهای ایرانی» را نوشت و روانه بازار کرد. اما نقطه عطف زندگی فریدون جنیدی که منجر به تأسیس «بنیاد نیشابور» شد، در رویارویی با عیسی صدیق در کلاس «تاریخ فرهنگ» شکل گرفت. درست همان ساعت که استاد صدیق با ابهتی آمیخته با غرور و خالی از انصاف، دانشجویان را در قیاس با پژوهشگران خارجی، به انفعال متهم کرد و تلاش های غیرایرانیان را در تقصص آثار ایرانی ستود. اما پاسخ کوبنده فریدون جنیدی، نقطه آغاز ممارست های او در مسیر اشاعه و حفظ فرهنگ و ادب ایران باستان بود. درست آنجا که برخاست و با قدی افراشته و سینه ای ستبر پاسخ داد: «... فردوسی برای زنده نگه داشتن اندیشه و فرهنگ و زبان ایرانی سی سال زمان نهاد. با آنکه نان جوین نیز بر سفره نداشت... دهخدا بیش از سی سال زمان بر سر فرهنگ نهاد... شما به جای آنکه

خودآموز خط و زبان پهلوی

کتاب «نامه پهلوانی» به قلم فریدون جنیدی در باب آموزش زبان فارسی میانه فارغ از روش های آموزشی مرسوم، مخاطب را با الفبای پهلوی، آوانویسی، تلفظ با استفاده از متون پهلوی در میانه متن آشنا می کند.

داستان ایران

کتاب، داستان ایران بر بنیاد گفتارهای ایرانی، در باب حقایق تاریخی ذکر شده در شاهنامه است. فریدون جنیدی در این اثر با اتکا به کشفیات باستان شناسان و منابع ایرانی، تاریخ ۲ هزار و ۵۰۰ ساله ایران را در شاهنامه اثبات می کند.

روایت

گردش میان دو نماز...



شاعر و نویسنده شمس عسکری

ذوقبلیتن یعنی مسجدی دارای دو قبله! ذوقبلیتن مسجدی است دارای دو قبله. مسجد سفید یکدستی است با معماری ای شبیه به مسجد قبا در تهران. دیوارها از کمر تا پایین سنگ شکلاتی رنگی دارد. کودک درونم مسجد را تشبیه می کند به یک کبک سفید بزرگ خامه ای، کودک درونم راساکت می کنم و به همان سفید یکدست مرمی رضایت می دهم. مسجد خلوت است، مثل قبا مشتری ندارد، اما از قبا خنک تر و خوشبو تر است. محراب از دور قامت افراشته به کرشمه و تغزل، بلند بالاست و فریب... با تم سفید که از کرم کاراملی به سفید پررنگ درفت و آمد است. به خود می گویم خب این یک قبله اش قبله دیگرش کو! مستخدم مسجد که صورتی گندمگون دارد کار گوگل را می کند. از راه می رسد و صدو هشتاد درجه آن طرف تر از قبله یک قاب توی سقف نشان می دهد و می گوید هده قبله الاول الی مسجد الاقصی و هده

(اشاره می کند به محراب جوان) الی کعبه الکرم! چه ذوقی می کنم از کشف و انگشت می گزم به حیرت! اتوی تاریخ خوانده بومد. که قبله عوض شده ولی نه دیگر این قدر. گفتم تاریخ اتوی این لحظاتی که شما دارید از دیدن این تصاویر کیف می کنید یک من روحانی دیدم قیافه اش ایرانی می زد رفتم جلو از سلام علیکمش فهماندم که اشتباه کرده ام عراقی بود و البته که با عراقی ها برادر تورگی هستیم. گفتم برایم بگوید که دقیقاً چه شد و او دیوار به اهامان عربی فصیح توضیح داد که اگر دوست داشته باشید از کرم کاراملی به سفید پررنگ درفت و آمد است. به خود می گویم خب این یک قبله اش قبله دیگرش کو! مستخدم مسجد که صورتی گندمگون دارد کار گوگل را می کند. از راه می رسد و صدو هشتاد درجه آن طرف تر از قبله یک قاب توی سقف نشان می دهد و می گوید هده قبله الاول الی مسجد الاقصی و هده

که خودش خانه ندارد. خدا که دیده عزیز کرده اش دارد اذیت می شود یک جوری می گذارد توی کاسه یهودی ها که انگشت به دهان می مانند، قبله می چرخد آن هم یک ذره دودزه، صدو هشتاد درجه! یهودی ها کنف می شوند. دور حضرت موسی (ع) که پیروانش فقط پوسته ای از دینش را گرفته اند و... بگذریم. کعبه می شود قبله گاه مسلمین جهان، کعبه را می گویند پدر گرامی مان آدم ابوالبشر ساخت. ابراهیم خلیل... تعمیر اساسی اش کرد و مردم جهان را فراخواند به آیین حج. همین حجی که رودخانه ای خروشان است و تا اکنون جاری و گوارا. سلام می دهم به بیت المقدس. افسوس می خورم چرا چغیه فلسطینی ام را ننداخته ام. ثواب زیارت مسجد را دو قسمت می کنم، نیمی را تقدیم می کنم به سید حسن نصر... نیش را به حاج احمد متوسلیمان نازنین. امیر تاجیک توی ذهنم می خواند: به مسجد میون دوتا مثلث اسیره...



می شود که شرح عکاس را ذیل عکس می خوانیم و با واژه هایی چون ویرانی، انفجار و گشتار روبه رو می شویم و این همان لحظه ای است که اضطراب و شوکی که از پس آرامش ظاهری وارد چشم مخاطب می شود به قلب می رسد و حالا باید بفهمیم که چرا نویسنده مقاله چنان تیتیری را انتخاب کرده است. آنچه در این روزها و ماه ها در غزه می گذرد شادی را نه تنها از جهان اسلام بلکه از جهانی که معنای تعالی انسانی

را فارغ از قومیت و مذهب هنوز داراست سلب می کند. اصولاً جنگ طلبی، ظلم، کشتار، زیر پا گذاشتن حقوق انسانی و هر آنچه با قوانین تعالی انسانی و جهانی در تناقض است در هر گوشه جهان که باشد باید به سلب شادی و نشاط از زندگی دیگر انسان ها منجر شود. و امروز اوج این فرو ریختن جنبه های انسانیت و ظلم در غزه و بر مردمان این جغرافیای کوچک می رود.

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲-۳ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

SHAHRRARANEWS.IR

۲شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوان نامۀ اخلاق حرفه ای

دمای هوای مشهد

۳۵٪

۱۳° ↓

۲۳°

صبح ۱۸

ظهر ۲۳

عصر ۲۱

شب ۱۷

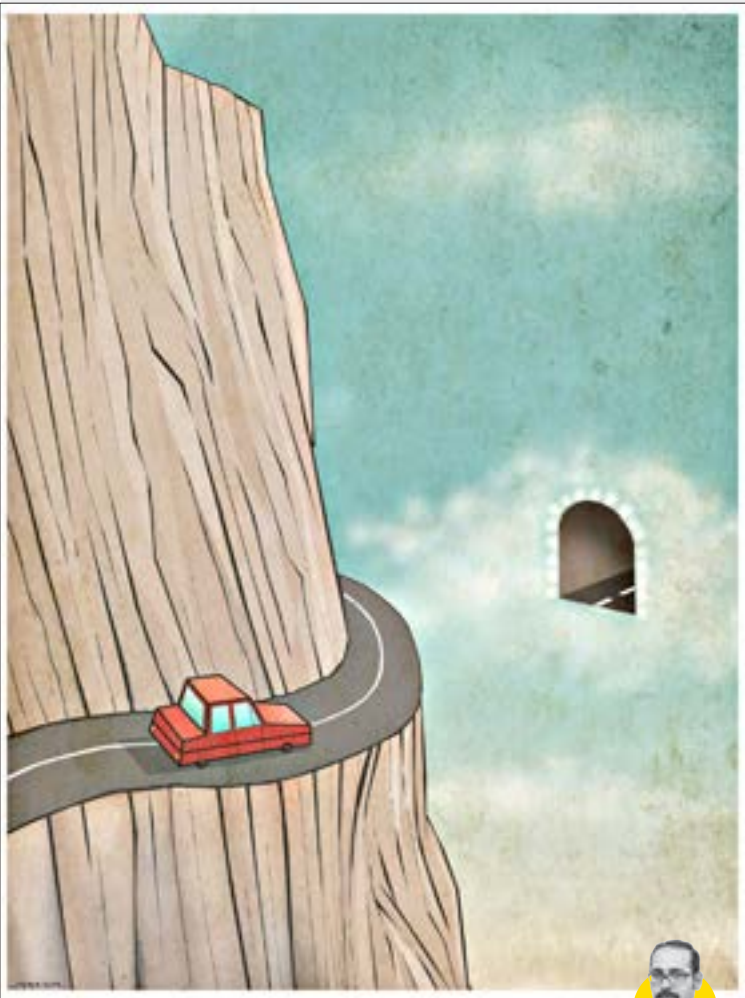
اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۳۳:۱۶ نیمه شب شرعی ۲۲:۴۹:۲۸

غروب آفتاب ۱۷:۵۹:۳۱ اذان صبح فردا ۰۳:۳۷:۴۰

اذان مغرب ۱۸:۱۸:۱۱ طلوع آفتاب فردا ۰۵:۰۵:۳۰

کارتون شهر



نوروز امسال بیش از ۸۰۰ نفر در تصادفات جاده ای جانشان را از دست دادند.



مجید ادیبی

شوخی بی شوخی

جریمه های زندگی بخش!

خودرو به خاطر هزینه بالای لنت نتوانست لنت جدید جایگزین کند، همان لنت خراب مثل یک لنت نو و با کیفیت کار کند و به موقع ترمز کند. ● افزایش جریمه باعث می شود خودروهای فرسوده بیشتر احساس جوانی کنند و در جاده ها خطر ساز نباشند. ● جریمه باعث می شود حلب و پلاستیکی که در ساخت ماشین ها به کار برده شده است و با پریدن یک گریه روی سقف دچار تورفتگی می شود تبدیل به آلباز یا کیفیتی شود که حتی اگر کردن سوماترایی با آن برخورد کرد برای ماشین اتفاقی نیفتد.

● افزایش چند برابری جریمه باعث می شود لاستیکی که تمام آج هایش از بین رفته است و مثل دل من و شما صاف شده است به سان سوسمار که دم از دست رفته خودش را بازسازی می کند خودش را بازسازی کند.

● با سنگین شدن جریمه، هزینه سنگین خرید لاستیک نو کم می شود و کسانی که توان مالی جایگزین کردن لاستیک کهنه خود را ندارند و لاستیک ماشینشان مثل یک بمب ساعتی هر لحظه در معرض ترکیدن است ناگهان قدرت خریدشان افزایش یابد و بتوانند هر چهار تا جریمه سبب می شود اگر لنت های ترمز لاستیکشان را با لاستیک نو و با کیفیت جایگزین کنند.

اگر در برخی بازی های رانندگی کامپیوتری، کاراکتر بازی با انجام بعضی کارها جان اضافه می گیرد در واقعیت رانندگی هم این اتفاق افتاده است. اگر باور ندارید باید به اطلاعاتن برسانیم که دبیر شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور گفته است: برآورد کرده ایم که افزایش جریمه های رانندگی باعث شود چهار تا پنج هزار نفر کمتر کشته شوند. خلاصه اینکه نباید بگوییم جریمه ها زیاد شده اند بلکه باید بگوییم حیات بخش شده اند و زین پس هر برگ جریمه ای که صادر شود ممد حیات است و آنگاه که پرداخت شود مفرح ذات.

● با افزایش جریمه، نقاط حادثه ساز جاده ها از این همه حادثه و هشتتانی که برای سرنشینان ساخته اند پیشیمان می شوند و تبدیل می شوند به امن ترین نقطه زندگی هر کسی.

● جریمه هر قدر جدی تر باشد، ایربگ های خودروهای داخلی هم تصمیمات جدی تر می گیرند. آن ها برخلاف گذشته خودشان که همیشه منفعل بوده اند تصمیم می گیرند که موقع تصادف یک حرکتی از خودشان نشان دهند و هر طور هست خودشان را بآدا کنند! ● جریمه سبب می شود اگر لنت های ترمز خودرویی ساییده و خراب شد و مالک